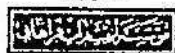


اکبر

قهرمان مبارزه با استعمار

اثر: اکبر هاشمی رفسنجانی



سرشناسه	هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور	اکبر کبیر - قهرمان مبارزه با استعمار/ اثر اکبر هاشمی رفسنجانی -
مشخصات ظاهری	۵۲۲: تصویر (بخشی رنگی)، ۱۷ x ۲۳.۸ س. م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۱۵۸-۲۷-۴
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتاب حاضر نخستین بار با عنوان "اکبر کبیر" با میرزا تقی خان فراهانی قهرمان مبارزه با استعمار "نوسط همین ناشر در سال ۱۳۴۶ منتشر شده است.
یادداشت	"کتابنامه به صورت زیر نویس
عنوان دیگر	قهرمان مبارزه با استعمار -
عنوان دیگر	اکبر کبیر: با پیروزی تقی خان فراهانی قهرمان مبارزه با استعمار
موضوع	اکبر کبیر، تقی، ۱۲۲۰ - ۱۳۶۸ ق.
موضوع	نخست وزیران -- ایران
موضوع	ایران -- تاریخ قاجاریان، ۱۱۹۲ - ۱۳۲۴ ق.
موضوع	ایران -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۳: الف ۲، ر ۱۳۵۸ DSR
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۷۴
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۸۵۹۱۱

اکبر کبیر

قهرمان مبارزه با استعمار

قلم: اکبر هاشمی رفسنجانی

ناشر: انتشارات فراهانی

ویراستار: دکتر بهرام حبیبی اصفهانی

تصحیح و نمونه خورشید شمس فراهانی / فاطمه فراهانی

ترجمه: فاطمه فراهانی

طراح: سعید شکری

صفحه آرایی: بهرام حبیبی

نوع کاغذ: ۸۰ گرمی اندونزی

لیتوگرافی: طاووس

مشاور چاپ: سید داوود افشاری به نمایندگی از دفتر نشر علمی

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

تاریخ چاپ اول: ۱۳۴۶

چاپ اول پس از انقلاب: ۱۳۹۳

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۵۸-۲۷-۴

کلیه حقوق محفوظ است.

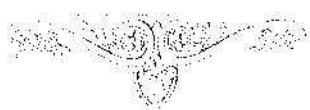
دفتر مرکزی و نمایشگاه: تهران / خیابان انقلاب / خیابان ۱۲ فروردین / کوی توروز / شماره ۶

تلفن: ۶۶۴۰۵۹۳۲ / ۶۶۹۶۶۷۴۶-۷

تلفن همراه: ۹۱۲۱۳۲۱۷۲۲

همه حقوق محفوظ است و هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس و بازنویسی ذخیره کامپیوتری اکتباس کلی و جزئی (به جز اکتباس جزئی در نقد و بررسی) و هرگونه برداشت دیگر از این کتاب بدون مجوز کتبی ناشر قابل پیگیری از طریق مراجع قانونی است.
قیمت: ۳۰.۰۰۰ تومان

یادداشت ناشر



«گل عزیز است غنیمت شمریدش صحبت
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد»

"حافظ"

فیه کاشان با یک باغ نبود، زلالترین آینه برای نمایاندن حقایق دردمندانه‌ی ایران نجیب و بی پناه و صحنه‌ی تکرر نفسی است که سیاوشان تاریخ اجتماعی ایران را بر سباط دهر دون پرور می‌نشانید و رونق بخش به بیننده‌ی این نمایش نیز، تماشاگرانی بودند که دل به افیون ناآگاهی و غوغای مستی رند و سر سپرده‌ی علی‌خار می‌سپردند و حتی از نام و نشان‌ها هم سراغی نمی‌گرفتند....

این کتاب، یانگر حسی توانا را بیدار می‌توان و نبوغ فردی است، تربیت یافته در محیط شایسته پرور فراهان بزرگ، بالیده در محیط امن و یکتاپرستی و ریشه‌ی دردها، ریشه یافته در دامان رجل سیاسی - مذهبی سید میرزا ابوالحسن فراهانی، نام مقام و صدر اعظم ایران، مولف گرانقدر حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی، بیان دقیق، عمیق و هدفدار، پرداختن به شخصیت و موضوعیت امیرکبیر را تأیید می‌کند و دلیل اساسی تألیف این کتاب، یادآوری و بیان این نکته به روشنفکران است که: اصلاحات و اقدامات صورت گرفته در سطح امیرکبیر خواسته‌ی روحانیون مسلمان روشن ضمیر بوده و در پرتو تمامی واقعیت‌ها و تحولات معرطه در هر فصل، برجستگی این نکته که امیرکبیر، فرزند این آب و خاک، فرصتی هرچند اندک یافته تا توانمندی‌ها و ارزش‌های مدیریتی و نبوغ ذاتی خود را بروز و قابلیت‌هایش را در پیشبرد اهداف بلندمدت و روبوم به نمایش گذارد و با وجود همه‌ی سختی‌ها و مشکلات داخلی و خارجی، اموری را به فرجام رساند که از عهده‌ی زنده‌ترین شخصیت‌ها و قهرمانان جهانی برنیامده و حجت این نکته، هم در عرصه‌ی سیاست است و هم در گستره‌ی موانع و خیانت‌های داخلی و دخالت‌های جنایتبار خارجی.

اینک خوانندگان ارجمند تشنه‌ی فرهیختگی را به مطالعه کتابی دعوت می‌کنیم که اثر قلمی تأثیرگذار و البته صمیمی است. قلمی که نه تنها در سالیان دور اختناق و استعمارزدگی بلکه در حال حاضر نیز انتشارات فراهانی را به شایستگی تجدید نشر این کتاب کرده و با اعتماد خویش مورد عنایت قرار داده اند که وجود آن عزیز از جمیع بلیات مصون و محفوظ و تنش به ناز طیبیان نیازمند مباد.



شاید دست تقدیر، مردانی همچون میرزا ابوالقاسم خان فراهانی صدراعظم ایران، میرزا تقی خان فراهانی و ده‌ها شخصیت ادبی و فرهنگی، متفکران این سرزمین را به کار گرفته تا موجب بیداری زاده‌های این مرز و بوم شوند. و در کنار آن، اندیشه‌های سترگ و عمیق این دانشمند عالیقدر با تالیف آثارش که بر اختیار تان قرار گرفته، بیداری جوانان مان را سبب شود.

«حدیث نیک و بد ما زمانه خواهد شد

زمانه را سندی، دفتری و دیوانی»

با درود و دعا بر همه‌ی آزاداندیشان جهان

شمس فراهانی

www.ketab.ir

سخن مولف



حدود نیم قرن پیش، انتشارات فراهانی شجاعانه اقدام به چاپ و انتشار کتاب «امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار» کرد. شجاعت از این جهت که آن زمان ساواک سخت با اینجانب عداوت داشت و آثارم را ممنوع‌الانتشار کرده بود و خودم نیز زندگی نیمه مخفی در تهران داشتم که از آن فرصت برای تحقیق درباره زندگی و مدیریت میرزاتقی‌خان امیرکبیر استفاده کردم و نکات مهمی از مکر و ایشان در جهت عشق به مردم و کشور و توسعه و سازندگی و بخصوص تأسیس دارالفنون و درک خطای مبارزات تنفر از استعمارزدگی و نیز فسادهای ناشی از استبداد قاجار و درباریان مطیع اجانب و نکات مهم دیگر افکار، رفتار و اسناد و مری دانشمند و ادیب ایشان، قائم‌مقام فراهانی دریافت نمود.

به ذهنم آمد که نیاز جامعه و معاصراً طلبه‌های حوزه‌های علمیه را برای آشنایی جدی با تاریخ ایران و استعمار و کشورهای گوناگون و مبارزات استعمارگران تأمین کنم و آنان را از این قطعه‌ی تاریخ مطلع نمایم.

قبلاً هم در این جهت کتاب مهم «القضية الفلسطينية» تألیف مرحوم اکرم زعیترا را با عنوان «سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار» ترجمه و منتشر کرده بودم. آن هم در شرایطی که با جمعی از طلاب مظلوم که برخلاف قانون جاری به سبزی اجباری جلب شده و مشغول گذران دوران آموزشی در پادگان باغشاه بودم و با استفاده از این فرصت به یادگاهم، روستای بهرمان رفتم و پس از تکمیل ترجمه کتاب، آن را برای انتشار دادم. بعد از این کتاب در جامعه بازداشت و به شدت شکنجه شده بودم و می‌دانستم آب انداختن به لایه‌ی منافع استعمار و استعمارچیان در کمین دارد! آن اقدام هم اطلاع ملت ایران را از فاجعه‌های دست‌اندازی استعمارگران به کشورهای عقب نگه‌داشته شده، در پی خواهد داشت.

توجه به نکات فوق، نشان می‌دهد که شجاعت و خطرپذیری جناب شمس فراهانی را در راستای استوار کردن جالب اینکه پس از انتشار کتاب و استقبالی که در محافل ملی و اسلامی از این کتاب شد و حساس شدن ساواک بخاطر وضع مولف و زاویه‌های فراوانی که شامل رژیم پهلوی هم بود، تقاضای کتاب بسیار بالا رفت و با اینکه انتشارات فراهانی حق چاپ و انتشار و حتی ساخت فیلم و سایر اقدامات مربوط به کتاب را در انحصار داشت و من هم در شرایطی نبودم که بتوانم نیاز جامعه به این کتاب را پاسخ دهم، در مقابل، افراد و بنگاه‌های دیگر بدون اجازه ناشر اقدام به چاپ و نشر کتاب می‌کردند و ده‌ها بار تجدید چاپ شد و من و آقای فراهانی اعتراضی نکردیم، چون هدف نشر حقایق



تاریخی کشور و جنایات استعمار بود و می‌خواستیم مردم بدانند که استعمار و استبداد مثل دو لایه‌ی قیچی مصالح و حقوق ملت‌ها را به نفع خودشان می‌برند.

البته مدّاً معام شد رژیم پهلوی که آن روزها هنوز افشای کجروی‌های قاجار را به نفع خود می‌دانست، ترجیح داده که مزاحم این اقدام - گرچه تلخ - نشود و تفاوت رفتار رژیم در این مورد و مورد سوابق سرگذشت فلسطین همین جاست. چون استعمار و صهیونیسم و همپالکی‌های اسرائیل به هیچ وجه آمادگی تحمل کاری که فجایع آنها را آن‌گونه افشا نمایند، نبودند.

مطالعه سؤالات و خیریت‌های بازجویان در پرونده‌ی بازداشت‌م در تاریخ ۲۰/۳/۴۳ که در اسناد ساواک موجود است، خنده - اساسیت همپالکی‌های اسرائیل را بخوبی نشان می‌دهد.

به هر حال اکنون که بار دیگر آقای قاضی‌زاده‌ای تصمیم به انتشار این اثر به صورت بهتر و باکیفیت مناسب تری گرفته‌اند، تشکر می‌کنم و امیدوارم بیشتر ایشان دعا می‌نمایم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

فهرست مطالب

۲۳	عوامل خاص تربیت امیر کبیر
۲۴	محیط تربیت
۳۰	سبک‌های سیاسی
۳۹	پیش از امیر
۴۰	آثار شوم زمان انجمن
۵۱	در راه احراز کسی قدرت
۵۷	باز هم برخورد با اعمال
۵۹	سیاست داخلی امیر کبیر
۶۰	مشکلات
۶۲	اصلاحات داخلی
۶۴	تمرکز قدرت
۶۷	در جنوب و شرق
۷۲	سالار
۸۲	تنظیم بودجه
۸۴	وضع مالیات قبل از امیر
۹۶	تشویق صنعت و تکثیر ثروت
۱۰۶	تقویت بنیه‌ی دفاعی
۱۰۸	سلاح روز
۱۱۸	نیروی دریایی
۱۲۰	نهضت فکری و علمی
۱۲۷	کارشکنی‌های استعمار
۱۳۰	شیر بی‌دم و سر و اشکم
۱۳۳	امیر کبیر و مذهب
۱۳۷	عبادت امیر کبیر
۱۵۵	سیاست خارجی امیر کبیر
۱۵۶	سیاست طفیلی
۱۶۹	امیر و نفوذ استعمارگران

۲۰۴	جاسوسی به نفع اجانب
۲۱۵	میرزا آقا خان نوری
۲۲۰	استفاده از مذهب
۲۳۹	بهره‌برداری اقتصادی
۲۶۰	اقلیت یهودی
۲۶۷	امتیاز بیگانه یا دزدی رسمی
۲۸۱	آشوراده
۲۹۲	تجارتخانه‌ی روسی
۳۰۲	سیاز حکومت بر خلیج فارس
۳۲۶	آثا شوم
۳۳۳	شکست و اقتضای
۳۴۹	قندهار
۳۵۷	ترکستان
۳۶۱	پایان کار
۳۶۲	فرمان عزل
۳۸۲	صدر اعظم جدید
۳۹۴	قتل امیرکبیر
۳۹۹	فرمان قتل
۴۱۰	عزت‌الدوله بعد از امیر
۴۱۳	نقش استعمارگران در عزل و قتل امیر
۴۱۹	قضاوت‌ها
۴۲۰	قضاوت تاریخ
۴۲۴	قضاوت افکار عمومی
۴۳۳	بعد از امیر
۴۳۴	سدی که شکست
۴۴۵	عقب‌گرد در سیاست خارجی
۴۶۷	امتیاز تلگراف
۴۷۲	امتیاز رویتر یا استعمار بی‌پرچم
۴۸۹	دوران امتیازات

پیشگفتار

بهبود است که قبلاً از تشبیح برنامه‌های ضد استعماری امیرکبیر، توجه خوانندگان محترم را به اختلاف شرایط زمانی که امیرکبیر در آن می‌زیسته و زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، جلب نماید. تلاش است و ارزش افکار انقلابی و ضد استعماری امیر، بهتر معلوم گردد.

در این دوران، استعمار و استثمار کاملاً رسوا و مورد تنفر شدید مردم جهان و مخصوصاً ملت‌های عقب‌نگاه‌داشته شده است. فرهنگ شوم استعمارگر و استثمارچی، در افکار عمومی به زشت‌ترین صورت ممکن باطل شده، افکار و عواطف ملل جهان و مخصوصاً ملت‌های استعمارزده، علیه هر چه که با استثمار و نیاط دارد، سخت تحریک شده است. تبلیغات وسیع و دامنه‌داری در سراسر جهان را حتی در داخل کشور بزرگ استعمارگر، علیه این مفت‌خواران و این پدیده شوم، انجام شده و هرگز تمام نپایان دارد.

در نیمه‌ی اول قرن بیستم، در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که سال‌ها و گاهی صدها سال ملک طلق استعمارگران و صحنه‌ی غارتگری و چپاول آنان بوده است، همان بزرگی به صورت قهرمان مبارزه با استعمار، روی صحنه‌ی سیاست ظاهر شده است. در این راه موفقیت‌هایی کسب کرده و ملت‌هایی را هم در راه مبارزه با استعمار، حرکت درآورده‌اند.

در همین ایام، شب و روزی نیست که ده‌ها نطق و سخنرانی مستدل و محکم توسط مراکز پخش صوت در سراسر جهان، علیه استعمار پخش نشود و صدها مقالات کوبنده و آتشین در جرائد معتبر دنیا، در راه رسوا کردن استعمار ملت‌ها و کشورها منتشر نگردد و هفته‌ای نمی‌گذرد که قیام مسلحانه‌ای از طرف ملت‌های جهان، علیه استعمار و عمال آن در گوشه‌ای از دنیا صورت نگیرد و ماهی نیست که زد و خورده‌های خونین، میان ملت‌های اسیر استعمار و دولت‌های استعمارگر زورگو و یا متجاوز و یا عمال آنها رخ

ندهد و بالاخره سالی نیست که یک یا چند پایگاه و سنگر استعمار برچید و یا لافل، متزلزل نگردد.

گرچه در مقابل، استعمارگران هم آرام و دست بسته ننشسته‌اند و در عوض هر سنگر از دست رفته، پایگاهی به صورت دیگر و معمولاً محکمتر و خطرناک‌تر، می‌سازند. هر جا که بالاچار بندی از پای اسیری برمی‌گیرند، زنجیر دیگری به پای او می‌بندند و در نتیجه در اکثر ممالک گرفتار استعمار، اصل استعمار باقی است و فقط شکل و رنگ عوض می‌کند.

ولی چیزی که مسلم است این که آبرو و حیثیتی برای استعمار و استعمارگر نمانده و در مقابل، استعمارگران ضداستعماری، کاملاً آبرومند و موجه می‌باشند و مقصود من هم همین است و خلاصه: با توجه به مطالب فوق، این‌روزها مبارزه با استعمارگر چه ارزنده و قابل تحسین است، چه تازه و به دور از انتظاری نیست، بلکه غیرمترقب و تازه این است که ملتی، یا حتی در این شرایط دست بسته تسلیم استعمار باشد. اما...

اما امیرکبیر، حدود یک صد و بیست سال قبل، زمامدار کشور ایران بوده. در آن روز وضع و قیافه استعمار و استعمارگر با این‌روز خیلی تفاوت داشت. عواملی که در راه مفتضح ساختن استعمار استخدام شده‌اند، در آن تاریخ ابدأ در کار نبوده‌اند و بلکه گرگ‌های استعمار در دوران به نظر بسیاری از نویس و سردمداران کشورها، میش‌نما بوده و آن دشمنان خونین، به صورت دوستان دلباخته و وفادار نمود داشته‌اند.

آن روزها سراسر آسیا میدان ترکتازی استعمارگران بود. آفریقا یک پارچه در اختیار دزدان اروپایی قرار داشت، آمریکای لاتین لقمه‌ی جانی برای غارتگران متریقی! محسوب می‌شد. دریا، خشکی، زمین و آسمان همه‌وهمه، در دست یک مشت مردم از خود راضی و حریص به اصطلاح متمدن چند کشور بود. سراسر آفریقا، آفریقای غربی، نهرها، لومومباها، نکرومه‌ها، بن‌بلاها، سوکارنوها و صدها مردان بزرگوار و فرز و رجال شرافتمند و محبوب در میان توده‌ی مردم ضداستعمار نیامده بودند. ملتی که اسیر از لحاظ درک مسائل اصولی سیاست‌ خارجی، کوروکر و به همان وضع اسفبار خود خو گرفته بودند. استعمارزدگان جهان، پیکارهای مردانه ملت الجزائر و کنگو و فلسطین و هندوستان و انقلاب‌های ضداستعماری اندونزی و مصر و کوبا و گانا و ده‌ها کشور اسیر دیگر و مبارزات جانانه عراق، ترکیه، جنگ‌های پارتیزانی چین و هندوچین، مقاومت‌های

مردانه ویت‌مینه و ویت‌کنگ، مبارزات سیاسی و نهضت‌های اقتصادی و فرهنگی ملل ضعیف آفریقا و آمریکای جنوبی را اصلاً ندیده و حتی به ذهن‌شان هم خطور نکرده بود. در آن زمان در کشور استعمارزده‌ی ایران که مورد بحث ماست، بیشتر پست‌های حساس به دست مردم نالایق و نوکران اجانب بود و جنگل استعمار خون‌آشام، تا اعماق وجود مملکت فرو رفته و همه چیز را در اختیار گرفته بود و تمام ملت در خواب مرگباری فرو رفته بودند.

امیر کبیر چنین شرایط و چنان وضعی، خطر استعمار را با دیده‌ی تیزبین و هوش بشیر خویش درک کرد و دام‌ها و دانه‌های مرموز آن را به درستی تشخیص داد. با این احساس ادبانه و مسئولیت‌آلود مبارزه با استعمار شد و راه رسم استقلال و عظمت را با خطوط روش و خط مشخص و برای پاره کردن زنجیر استعمار و شکستن طلسم استعمار آنچنان برنامه‌ریزی نمود که پس از گذشتن بیش از یک قرن، قهرمانان کارآزموده‌ی وطن‌پرست و فدای‌اماری، همان نسخه را (با اندکی تغییر که معلول گذشت زمان است) عمل می‌کنند و پیروز می‌گیرند.

امیر کبیر به درستی درک کرد که فقر و فساد کشور، بهترین زمینه‌ی مساعد برای رشد و نمو استعمار است و بنابراین با تمام قدرت با فقر و فساد و فساد کوشش کرد. او احساس کرده بود که افراد نالایق و پست و فاسد فروش، در هر پست و مقامی که باشند همچون ماشین خودکاری در اختیار استعمارگران قرار می‌گیرند و از این جهت سعی داشت چنین افرادی را از کادر هیئت حاکمه بیرون ببرد. میرزا تقی‌خان، با تمام وجود نیاز یک کشور مستقل را به انحصار تخصص کرده و متخصص در علوم و فنون جدید و کارشناسان لایق صنعت و علم روز، احساس کرد و به درستی دریافت که تا روزی که مشکلات علمی و فنی کشور توسط کارشناسان و استشاران خارجی حل می‌شود، روی استقلال را نخواهد دید و بنابراین با یک دنیا مشورت و با تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون اقدام به تربیت چنین افرادی کرد.

او می‌دانست که ثروت مملکت، بایستی در خود مملکت خرج شود. معادن و ذخایر کشور، باید توسط علمای همین کشور استخراج گردد، پول و سرمایه خود ملت، بایستی در رشته‌های اقتصادی این آب و خاک به جریان افتد و سرمایه‌گزاری شود و با نهایت پشتکار برای تحقق بخشیدن به این اهداف عالی دست به کار شد.

امیر معتقد بود که یک کشور مستقل، باید همه چیز خود را در داخل خاک خویش تهیه کند و از فروختن مواد خام به قیمت ارزان و خریدن مصنوعات گران قیمت، نتیجه‌ای جز ورشکستگی و هدر دادن ذخایر و ثروت کشور، عاید نخواهد شد و از این رو برای صنعتی کردن کشور و استخراج معادن، تلاش خستگی‌ناپذیری را آغاز کرد.

امیر نظام اعتقاد داشت: بدون داشتن یک ارتش نیرومند و مجهز به سلاح روز، در جهانی که حدود و حقوق، با زور تعیین می‌شود و سرنوشت همه کس و همه چیز به زور بستگی دارد، نمی‌توان حق کشور و ملت را حفظ کرد و دست متجاوزین را کوتاه کرد. این بود که پایه‌ی یک ارتش نوین و مقتدر را به شکلی مدرن ریخت.

به طرز خاص هر چیز که برای استقلال، عظمت و اعتبار یک کشور و آسایش و رفاه و سیاحت یک ملت، مورد نیاز بود، او در برنامه‌های اصلاحی خویش گنجانده بود و نه فقط در مرحله فکر و اندیشه و برنامه‌ریزی، آن گونه که معمول زمامداران کشورهای عقب‌مانده است که طرح می‌کنند و در مرحله عمل نمی‌رسد، بلکه او قبل از هر چیز مرد عمل بود. در این کتاب، ابتدا تالیفی از تاریخ کشور، قبل از زمامداری امیرکبیر ترسیم می‌کنیم و سپس به تشریح اقدامات اصلاحی و مبارزات امیرکبیر علیه استعمار و عمال استعمار می‌پردازیم و پس از آن، به اوضاع کشور پیش از سقوط امیرکبیر و تجدید استعمار، اشاره می‌کنیم.

در خاتمه‌ی این گفتار متذکر می‌شویم که منظور اصلی ما در این کتاب، تشریح مبارزات ضد استعماری امیرکبیر است و اگر مباحثی را به سبب اصلاحات داخلی پیش می‌آوریم، تا آن جا است که ارتباط با مبارزه با خرابکاری‌های استعمار دارد. و اضافه می‌کنیم که در این کتاب، نگارنده درصدد تزیین تاریخ نیست. بنابراین خوانندگان گرامی نباید انتظار داشته باشند که بر اساس تاریخ نویسی تجزیه و تحلیل و بررسی و کنجکاوی ببینند. بلکه هدف اصلی، بررسی وضع امیرکبیر و مبارزات او را استعمار استعمارگران است و این بحث را از روی نوشته‌های موجود دنبال می‌کنیم.